

به بهانه کودتای ۷ ثور درنگی بر قربانیان پولی تخنیک کابل

فرارسیدن هفتم ثور (۲۷ اپریل) یک بار دیگر زخم ها و درد های افغان ها را تازه نموده، بازماندگان و وابستگان قربانیان جنایات نا بخشودنی دوران حاکمیت جناح های خلق و پرچم را بار دیگر به یاد دستگیری ها و شکنجه های غیر انسانی، ناپدید شدن ها، قتل های دسته جمعی و شهدای گلگون کفن و بی کفن می اندازد.

در جمله قربانیان جنایات سال اول (۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹) حزب دموکراتیک خلق افغانستان علاوه قتل های دسته جمعی قریه کراهاله کنر، قیام هرات و قیام های کابل، یک تعداد زیادی از استادان و محصلین پولیتخنیک کابل نیز شامل بودند، که در سال اول کودتای ننگین هفت ثور، و بخصوص شب قبل از اولین سالگرد آن کودتا دستگیر، شکنجه و ناپدید شدند.

تعداد اصلی قربانیان پولیتخنیک را هیچکس نمیداند، اما صد ها نفر از محصلین، استادان، مامورین و منسوبین پولیتخنیک کابل در رژیم خلقی تحت رهبری ترکی و امین به جمنازیم پولیتخنیک، که به شکنجه گاه افراد مظنون به مخالفت با رژیم تبدیل شده بود، آورده شده و بعد از ارسال به زندان دهمزنگ و جاهای دیگر ناپدید شدند. تنها اسمای یک تعداد کم از شهدای پولیتخنیک در لست پنج هزار قربانی ایکه بتاريخ ۱۸ ماه سپتمبر سال ۲۰۱۳ توسط حکومت هالند بنشر رسید، درج است.

یکتن از فارغان پولیتخنیک در یک صحبت ماه دسمبر پارسال به این قلم گفت که محصلی بنام طاهر از باشندگان فراه که منشی حزبی پولیتخنیک بود، با خیرمحمد ماموند، رئیس پولیتخنیک، جمنازیم پولیتخنیک را به شکنجه گاه محصلین تبدیل نموده و دفتر اداری آن را به دفتر حزبی شان تبدیل نموده بود. وی علاوه نمود که بعد از قیام های شهر کابل محصلینی که از لیلیه غیرحاضر بودند، مخالفین دولت تلقی شده و زندانی و در آنجا شکنجه میشدند. به تخمین وی تعداد قربانیان پولیتخنیک در یک شب اولین سالگرد کودتا از ۶۵۰ تا به ۸۵۰ نفر میرسید. وی که به شمول فضل کریم، پسر عمه اش، دوستان خودش را نیز از دست داده بود، گفت که در آن شب محصلینی را که از شهر به لیلیه برمیگشتند، نخست در اتاق های محافظین شانده و بعد از انتقال به جمنازیم و شکنجه به دهمزنگ و بعداً به پلچرخي انتقال میدادند.

کاکای یکی از قربانیان دیگر پولیتخنیک به این قلم گفت که آخرین بار برادر زاده اش استقبال مشهور به خیراندیش را در آنشب در خانه برادرش در کارته پروان ملاقات کرد. استقبال با وجود اصرار کاکایش که شب را در منزل با آنها سپری کند، بخاطری به لیلیه برگشت که سفاکان خلقی شبانه حاضری گرفته و غیرحاضران را بنام مخالفین رژیم و توطئه گر قلمداد

نموده و جزا میدادند. خانواده استقبال مانند هزاران خانواده داغیده دیگر تا امروز از وی هیچ نوع اطلاعی ندارد.

یکی از استادان سابق پولیتخنیک که از هم دوره ها و همکاران و هم حزبی های خیر محمد ماموند میباشد، بعد از انتشار لست پنج هزار قربانی ضمن صحبتی به تاریخ اول جنوری امسال به این قلم گفت که خیر محمد ماموند، رئیس سابق و استاد کیمیای پولی تخنیک در قتل مستقیم سی و نه (۳۹) نفر استاد و یکصدونودودو (۱۹۲) نفر محصل پولیتخنیک نقش درجه یک داشته است. وی وعده سپرد که اگر از او خواسته شود حاضر است در یک محکمه بین المللی برای جنایات ضد بشری شهادت بدهد.

خیر محمد ماموند، شخصی که دستانش به خون استادان، محصلین و کارمندان پولیتخنیک کابل آلوده است، اصلاً از ولایت کنر بوده از شاگردان و سرسپردگان خاص حفیظ الله امین در دارالمعلمین کابل بود. او در سال ۱۳۴۴ شمسی توسط امین به عضویت حزب دیموکراتیک خلق جذب شد، و بین سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۵۴ در پوهنتون دولتی خارکوف اتحاد جماهیر شوروی ریاست کمیته حزبی محصلین خلقی شهر خارکوف را به عهده داشته و در وطن فروشی و چاکری با جناح پرچی ها در رقابت شدید قرار داشت.

خیرمحمد ماموند بعد از برگشته کشور در پهلوی آنکه اسیستانت شعبه کیمیای پولی تخنیک بود، با استفاده از آموزش های «کی جی بی» به گفته خودش یکجا باحفیظ الله امین مأموریت آموزش سیاسی افسران خلقی اردوی افغانستان، یکجا با محمود سوما در وزارت تحصیلات عالی وظایف رهنمائی کدر های سیاسی پوهن خلی های حقوق، زراعت، انستیتوت پولیتخنیک، و بعد از یکجا شدن جناح های خلقی و پرچی تا کودتای ثور برای مدت کوتاهی یکجا با صالح محمد زیری وظایف سیاسی (استخباراتی) اردو را به عهده داشت.

خیر محمد ماموند بعد از کودتای هفت ثور بحیث رئیس پولی تخنیک تعیین و به اساس نوشته خودش تحت عنوان «یرغلونه او دسیسې - ملی غورخنگونه او سیاسی خوځښتونه» (تهاجمات و دسایس - جنبش های ملی و نهضت های سیاسی) از هفت ثور سال ۱۳۵۷ تا جوزای سال ۱۳۵۹ برای مدت بیش از بیست و پنج ماه ریاست پولیتخنیک را به عهده داشت. خیرمحمد ماموند میگوید که بعد از پیروزی کودتای هفت ثور در پهلوی ریاست پولیتخنیک، به شمول سازمانهای جوانان خلقی، سازمان زنان خلقی، اتحادیه های صنفی و صندوق های تعاونی، مسئولیت سازمانهای خلقی شهر کابل را نیز به عهده داشت.

خیر محمد ماموند مینویسد که بعد از کشته شدن تره کی از طرف حفیظ الله امین برای خنثی ساختن فعالیت های برک کارمل بحیث سفیر کبیر افغانستان در چکوسلوواکیه نامزد شد، اما یک روز قبل از اعلام موافقتنامه آن کشور، حفیظ الله امین کشته شد، و او هم تا چهار ماه دیگر بحیث استاد کیمیای پولی تخنیک به کارش ادامه داد.



خیرمحمد ماموندقاتل استادان و محصلین پولی تخنیک

خیر محمد ماموند، در موقف حزبی و سیاسی اش در تصامیم مهم سیاسی و نظامی آندوره سهمیم بوده و به گفته یکی از هموطنان ما با وجودی که شخصاً در محل واقعه قتل عام قریه کرهاله حضور نداشت، مسئولیت غیر مستقیم آنرا بگردن دارد. این جنایت کار تا هنوز هم در قید حیات بوده و از سال ۱۹۹۷ بدینسو در شهر اتریخت کشور هالند زندگی میکند.

از جمله استادان پولی تخنیک کابل که توسط خیرمحمد ماموند به شهادت رسیدند، میتوان از داکترمحمد علی صمدی استاد دیپارتمنت الکتروتخنیک، انجنیر محمد رؤف حسینی استاد دیپارتمنت رسم تخنیکی، انجنیرمیرسکندر شاه استاد دیپارتمنت تکنالوجی فلزات، انجنیر لطیف محمودی استاد دیپارتمنت ریاضی، و انجنیر حسن استاد دیپارتمنت رسم تخنیکی نام برد.

هموطنان گرامی!

میگویند از لعنت گفتن به تاریکی روشن کردن یک شمع بهتر است. یاد شهدا و قربانیان بی گور و بی کفن دوره های مختلف جنگ سی و پنج ساله جاری در افغانستان کافی نبوده، محاکمه جنایتکاران و متخلفین حقوق بشر در افغانستان، که اکثر آنها تا هنوز در قید حیات اند، خواست اکثریت مطلق مردم ما می باشد.

مارتین لوتر کینگ میگوید «رفتار غیر انسانی بشر به هموع خود نه تنها با اقدامات تند و تیز کسانی که بد هستند صورت گرفته است، بلکه توسط بی حرکتی (تنبلی) خراب کننده کسانی که خوب هستند نیز صورت گرفته است». بیائید کار مستند سازی جنایات جنگی و جنایت علیه بشر را ادامه داده و از فعالیت های جمع آوری اسناد و مدارک، و به محاکمه کشاندن جنایتکاران که توسط افراد، گروه ها، و رسانه های بیرون مرزی براه انداخته شده است، حمایت کنیم.

(پایان)